فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۲۲-۳۰۱ New Period, No 17, 2019, P 301-322
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی دفع و امحاء پسماندهای هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل زیست محیطی

محسن خواجه زاده[۱]. زهره درشت[۲]
۱. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل
۲. کارشناسی پرستاری

چکیده
یکی از چالش‌هایی که در دهه‌های گذشته محیط زیست بین‌المللی را با خود درگیر نموده است بحث دفع و امحاء پسماندهای هسته‌ای است که علاوه بر درون سرزمین‌های داخلی یک کشور موجبات دغدغه بین‌المللی سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی حامی محیط‌زیست شده است. در واقع امروزه نه تنها سازمان ملل متحد بلکه دیگرسازمان‌های بین المللی با صلاحیت جهانی نیز قدم در راه توسعه و بهبود حفاظت از محیط زیست نهاده‌اند. یکی از مسائل زیست محیطی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی ذهن بشر را به خود مشغول داشته است، مشکل آلودگی های ناشی از پسماندها می باشد. پیشرفت در فنآوری، احداث کارخانه‌های بزرگ صنعتی و دستیابی اکثر کشورها به انرژی هسته‌ای، معضل آلودگی‌زیست محیطی ناشی از پسماندها را به مشکلی جهانی مبدل نمود. به گونه‌ای که حتی سازمان‌های بین‌المللی با اهدافی خاص غیر از اهداف زیست‌محیطی تصمیم گرفتند به مسایل زیست‌محیطی ناشی از فعالیت شان توجه کافی مبذول دارند. حال این سوال مطرح می‌شود که از منظر حقوق بین‌الملل زیست‌محیطی، دفع و امحا پسماندهای هسته‌ای باید چگونه باشد؟ در این راستا فرضیه اصلی این است که مفاهیمی مانند امنیت و توسعه پایدار ایجاب می‌کند که بر اساس اصولی حقوقی باید نسبت به دفع و امحای پسماندهای هسته‌ای اقدام نمود. این تحقیق به لحاظ کاربردی بنیادی است و از نظر ماهیت پژوهش، تحقیق توصیفی از نوع موردی است. از جمله نتایج این پژوهش آن است که بر اساس اصولی مانند اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین، اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل مسئولیت کشورها در قبال صدمه به محیط‌زیست دیگر کشورها در زمینه آلودگی‌های فرامرزی و اصل اطلاع‌رسانی فوری و به موقع در مورد خسارات فرامرزی به محیط‌زیست باید در دفع و امحای پسماندهای هسته‌ای اقدام نمود.

واژه‌های کلیدی: دفع و امحاء، پسماندهای هسته‌ای، حقوق بین‌الملل زیست محیطی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مقدمه

طی چند دهه گذشته، افزایش جمعیت، گسترش دامنه مداخلات بشر در طبیعت برای تامین نیازهای فزاینده از منابع کمیاب طبیعی، گسترش رویکرد سود انگاری در قالب طرح‌های توسعه‌ای، بی پروایی نسبت به جستار پایداری محیط‌زیست در ساخت سازه‌ها و زیرساخت‌ها و مانند آن، پیامدهای ناگواری همانند گرمایش کروی، ویرانی لایه ازن، پدیده ال‌نینو، طوفان‌های سهمگین، بالا آمدن آب سطح دریاها، گسترش گازهای گلخانه‌ای، خشکسالی، سیل، فرونشست زمین، کاهش آب شیرین، بیابان‌زایی، کاهش خاک مرغوب، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی، جنگل زدایی و نابودی تنوع زیستی پیامدهای فروسایی محیط زیست بوده‌اند. تداوم وضعیت موجود، آینده زیست و تمدن فرا روی بشر را مبهم و نامطمئن کرده است. نگرانی از این وضعیت به همراه شرایط نامطلوب کنونی، در طرح رویکردهایی همانند امنیت زیست‌محیطی بسیار اثرگذار بوده است.

کمیسیون بین‌المللی محیط‌زیست و توسعه در گزارش براندت لند (Brundt Land) موضوع محیط‌زیست را در بیان ذیل به طور صریح با مقوله امنیت مرتبط می‌داند: «بشریت با دو تهدید بزرگ مواجه است. تهدید نخست با تبادلات هسته‌ایی مرتبط است؛ بیایید امیدوار باشیم این چشم‌انداز در آینده رو به کاهش خواهد رفت.

تهدید دوم مربوط به تخریب گسترده محیط زیست کره زمین در دورنمایی طولانی است و این موضوع در حال حاضر حقیقت به نظر می‌رسد.»

اگرچه محیط‌زیست دارای قدمتی بس طولانی است، اما توجه به مفهوم و کاربرد علمی آن محدود به چند دهه اخیر می‌باشد، به طوری که این واژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی که همزمان با افزایش آلودگی‌ها و تخریب منابع طبیعی بوده، رایج و معمول گشت. [۱]

پس در این پژوهش ضروری است اصولی که می‌تواند حاکم بر دفع پسماندهای هسته‌ای با تاکید بر توسعه پایدار و امنیت زیست‌محیطی باشد مورد بررسی قرار گیرد.

۱- حق برخورداری از توسعه پایدار و امنیت زیست محیطی

۱- ۱- حق برخورداری از توسعه پایدار و محیط زیست سالم

تحقق حق برخورداری از توسعه و محیط زیست سالم عنوان حق‌های بشری در گروه سازوکار موثری به نام توسعه پایدار است. این پیشنهادی است که گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه مشهور به آینده مشترک ما (۱۹۸۷) برای آشتی نقطه نظرات کشورهای جنوب و شمال در خصوص نقش محیط زیست و رابطه آن با توسعه اقتصادی ارایه نموده است. بجای تقابل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از

۱- دبیری فرهاد و دیگران، (۱۳۸۶) «جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه ای پس از انقلاب در ایران»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره اول، ص ۹۱.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

محیط‌زیست باید سیاست‌های جدیدی را دنبال کرد که در آن‌ها با رعایت همه حق‌های بشری حفاظت از محیط‌زیست مورد توجه قرار گیرد. در این سند، توسعه پایدار «توسعه‌ای است که نیازهای کنونی ما را برآورده می‌سازد، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در ارضای نیازهای خود محدود یا ناممکن سازد». بنابراین در توسعه پایدار دو مولفه مورد توجه قرار می‌گیرد.

ـ برآوردن نیازهای اساسی انسان‌ها، بویژه افراد و ملت‌های فقیر.

ـ توجه به حقوق نسل‌های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه به فشارهای ناشی از سازمان‌های اجتماعی و وضعیت تکنولوژی بر محیط زیست.

بدین ترتیب می‌توان گفت هر نسل برای تامین منافع و رفاه خود فقط مجاز به استفاده از روش ها و منابع طبیعی و رویارویی با محیط زیست تا حدی است که سبب تضعیف توانایی‌های نسل‌های آینده در ارضای نیازهایشان نشود. [۱]

در این راستا اعلامیه ریو ۱۹۹۲ مقرر می‌دارد: «حق برخورداری از توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که نیازهای مربوط به توسعه محیط زیست نسل‌های حاضر و آینده را ملحوظ و تامین نماید.» (اصل سوم) برای دستیابی به توسعه پایدار فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط‌زیست باشد. با تشکیل کمیسیون توسعه پایدار وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، مشاهده می‌شود که ارجاع به مفهوم توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی بسیار رایج و متداول گردیده است. اعلامیه ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار و برنامه عمل اجلاس جهانی توسعه پایدار جایگاه این مفهوم را در عرصه بین‌المللی تحکیم بخشیده است. اعلامیه ژوهانسبورگ اعلام می‌نماید: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست سه بنیاد اساسی وابسته و مکمل توسعه پایدارند. کثرت و استمرار ارجاع به این مفهوم در اسناد بین‌المللی موجب گردیده است که برخی آن را یک اصل عمومی حوق بین‌الملل تلقی نموده یا حداقل آن را تجلی جهان شمولی یک اعتقاد حقوقی و کلی (opinio juris) بدانند. به توسعه پایدار در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اشاره شده است. «مفهوم توسعه پایدار ترجمان ضرورت آشتی بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست است.» در واقع، «محیط زیست امری انتزاعی نیست، بلکه فضایی است که افراد انسانی در آن زندگی می‌کنند و کیفیت حیات و سلامت آنها و نسل‌های آینده به آن وابسته است». [۲]

پس نگرانی‌های مربوط به تخریب محیط و برخوردهای اجتماعی ناشی از تغییرات آب‌وهوایی به بحث‌هایی که در دوران معاصر بر سر امنیت کره زمین، میلیتاریسم و تسلط برکره زمین مربوط می‌شود

۱- لانک هلیف، (۱۳۸۴) «توسعه پایدار و درنگی در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه»، ترجمه جمال محمدی، مجله راهبرد، ج ۱ شماره ۲، صص ۷۱۴-۵۸۳.

۲- افتخار جهرمی گودرز، (۱۳۸۸) «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان، صص ۱۹-۱۸.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

اضافه شده است. این نگرانی از مسائل محیطی در حیطه سیاست‌های جهانی در کنفرانس سازمان ملل متحد که با عنوان محیط و توسعه در ریو در سال ۱۹۹۲ برگزار شده بود، مطرح گردیده که در آن بیش از صدها سازمان غیردولتی و صدها حکومت و رهبران دولت‌ها برای مبارزه با خطرات اکولوژی جهانی با هم متحد شدند. نگرانی در مورد مسائل محیطی تاریخی طولانی دارد، چنان که با رشد صنعتی شدن و توسعه شهری چشم‌اندازهای تازه‌ای در سطح زمین به صورت یک لایه زندگی ظاهر شده است.[۱] خوشبختانه حق داشتن محیط‌زیست سالم امروز دیگر صرفاً یک آرزوی دست نیافتنی نیست، بلکه پس از حدود چهل سال تلاش مداوم سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین المللی و مجامع علمی به حقی کاملا شناخته شده در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی تبدیل گـردیده است.

علاوه بر اسناد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، توسعه پایدار مـفهومی بـسیار رایج و موکّد دراسناد و موازین حقوقی داخلی بویژه اسناد مربوط به برنامه‌های اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و زیست محیطی است.

۱-۲- جایگاه امنیت زیست محیطی در عصر جهانی شدن

در مفهوم سنتی، امنیت ملی که در خلال جنگ سرد ظاهر شد، به امنیت بعنوان یک عمل تعقیب موفقیت‌آمیز رقابت قدرت بین دولت‌ها نگاه می‌شد. این مفهوم دولت مستقل را به عنوان یک واحد تحلیل درنظر می‌گرفت و تنها با تهدیدات نظامی یا مواردی که به یک دشمن ارتباط داشت مورد توجه قرار می‌گرفت. امنیت ملی نیز برای انتقال این ایده بکار می‌رفت که یک مجموعه خاصی از مسائل که برای یک کشور اهمیت زیادی دارد نیاز به سازماندهی منابع مادی و انسانی در سطح بالا را دارد. امنیت زیست‌محیطی بیانگر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان می‌کند. عوامل زیست‌محیطی احتمالی که در پشت سر برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط‌زیست جهانی بر سلامتی جوامع و اقتصادها. این عقیده که تخریب محیط‌زیست زمانی که به عنوان عامل برخوردهای خشونت‌آمیز تجلی پیدا می‌کند یک مسئله امنیتی است به نظر می رسد با تعریف سنتی امنیت ملی سازگاری دارد. به هر حال طرفداران امنیت زیست محیطی بر این نکته تأکید دارند که تخریب محیط‌زیست در نتیجه نیروهای اقتصادی و اجتماعی غیرشخصی بوده و راه‌حل‌های مشارکتی را می‌طلبند. این گونه تمرکز بر روی تهدیداتی که با یک دولت دشمن و یا موجودیت سیاسی سروکار ندارد بسیاری از نظریه پردازان و صاحبنظران امنیت ملی را که از نظر آنها فقط مسائلی باید به عنوان موضوع «امنیت»، مورد توجه قرار گیرد که به محور درگیری می چرخد، آزار می‌دهد.

۱- دادس کلاوس، (۱۳۸۴) ژئوپولتیک در جهان متغیر، مترجم زهرا احمدی پور، تهران، بلاغ دانش، ص ۱۸۶.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

به صورت روشن‌تر، امنیت زیست‌محیطی با هر تهدیدی که از خارج کشور متوجه رفاه اجتماعی و جمعیت آنها شود، به طوری که بتواند از سیاست‌های عمومی تأثیر بپذیرد، ارتباط پیدا می‌کند. طرفداران امنیت زیست‌محیطی استدلال می‌کنند که فشار فزاینده بر سیستم‌های حافظ زندگی و منابع طبیعی تجدید شونده، اشارت روشنی برای سلامت و رفاه انسان دارند که حداقل به همان اندازه تهدیدات نظامی سنتی جدی هستند. امنیت زیست‌محیطی خواه با تمرکز انحصاری بر روی امنیت دولت ملی سازگار با شد و خواه در تقابل با آن، مسئله‌ای است که طرفداران آن نظریات مختلفی را ابراز داشته‌اند. برخی، تهدیدات زیست‌محیطی را در چارچوب امنیت ملی در نظر می گیرند، اگر چه آنها هم بر عدم کفایت پاسخ‌های دولت ملی سنتی به چالش‌های زیست‌محیطی جهانی مبتنی بر ملاحظات استقلال ملی تأکید می ورزند. دیگران می‌گویند که امنیت زیست محیطی ذاتاً به لحاظ ویژگی خاص آن، بیشتر یک پدیده جهانی است تاملی. از آن جا که تهدیدات زیست‌محیطی همه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابر این همکاری جمعی در مقیاس جهانی را می‌طلبد. امنیت زیست‌محیطی با تهدیداتی سرو کار دارد که نه تن‌ها نتیجه غیرعمدی فعالیت های اجتماعی و اقتصادی است بلکه در مقایسه با تهدیدات نظامی خیلی کند پیش می‌رود. بنابراین افق‌های زمانی که برای برنامه‌ریزی سیاسی لازم است، بی‌نهایت گسترده است. درحالی که برخی از برنامه‌های هدف‌گذاری شده برای کاهش میزان نرخ رشد جمعیت می‌تواند طی یک یا دو دهه آینده به نتایج قابل قبولی برسند، ولی این زمان بیشتری را می‌طلبد تا کاهش میزان رشد جمعیت بر مدیریت منابع طبیعی اثر بگذارد. یک برنامه نمونه (تیپیک) برای برگرداندن تخریب زیست محیطی یک اکوسیستم کامل و یا احیاء مجدد آن به منظور به دست آوردن نتایج مورد نظر می‌تواند دست کم ۵۰ سال طول بکشد. برای تأثیرگذاری سیاست‌های مربوط به اعاده لایه اوزون تا ۱۰ سال زمان مورد نیاز است، و سیاست ایجاد تغییرات اقلیمی حتی بیشتر از آن زمان می‌خواهد. این افق‌های زمانی بیان‌کننده یک مانع بزرگی برای یکپارچه‌سازی امنیت زیست‌محیطی در قالب فرآیندهای سیاست‌گذاری است، زیرا نظام‌های سیاسی برای دوراندیشی در ارتباط با موارد پیش‌روی خود سازماندهی نشده‌اند.[1]

رابطه بین منابع طبیعی کمیاب و برخوردهای بین‌المللی موضوع جدیدی نیست. لکن برخلاف اندیشه امنیت ملی سنتی درباره چنین برخوردهایی، که اصولاً بر منابع تجدیدناپذیر، نظیر معادن و نفت تمرکز می‌کند، رویکرد امنیت زیست‌محیطی بر منابع تجدیدناپذیر، یعنی آنهایی که اگر به صورت درست اداره شوند تهی نخواهند شد تأکید می‌نماید. درگیری کشورها بر سر منابع تجدیدشونده دو نوع هستند: آنهایی که تهی کردن منابع؛ هدف مستقیم درگیری هستند و آنهایی که عامل غیرمستقیم برای درگیری محسوب می‌شوند. منابع آب شیرین، و ذخائر شیلات شفاف‌ترین نمونه‌های منابع تجدیدشونده هستند که هدف مستقیم درگیری‌های احتمالی خشونت بار بین‌المللی قرار دارند. درگیری بر سر آب‌های تقسیم

1- **Homer, tomas, Environmental scarcities and violent conflict : evidence cases, International security, (summer). 1994. p 494.**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

شده رودخانه‌های بین‌المللی، از گذشته‌ها مورد علاقه برنامه‌ریزان امنیت بین‌المللی بوده است. جامعه روشنفکران ایالات‌متحده‌آمریکا در نیمه دهه ۱۹۸۰ پیش‌بینی کردند که در جهان ۱۰ مکان وجود دارد (نیمی از آن در خاورمیانه است) که به خاطر کم شدن منابع آب شیرین، در آنها بروز جنگ امکان پذیر است که یکی از آنها رود اردن است که به وسیله اردن، اسرائیل و لبنان مشترکاً مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، یا رودخانه نیل، که به وسیله مصر، اتیوپی و سودان، مورد بهره برداری واقع می‌شود. هم چنین رودخانه‌های دجله‌وفرات که از سوی عراق، ترکیه و سوریه مشترکاً مورد استفاده می‌باشند. درگیری‌های بین‌المللی در زمینه ذخائر شیلات در دهه‌های اخیر بارها تکرار شده است. تنها در سال گذشته ۳۰ مورد از این نوع گزارش شده است که در چندین مورد آن از کاربرد زور استفاده شده است. بدون هرگونه موافقتنامه بین‌المللی در زمینه ذخائر شیلات که مناطق ان صاری اقتصادی کشورها را گسترش می دهد یا آنهایی که بین مناطق مزبور و یا بین مناطق ساحلی و دریاهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، حتی پدید آوردن نوسانات عادی در منابع مزبور، رقابت میان دولت‌ها را بر سر منابع شیلات افزایش می دهد. ولی با بیش از نیمی از منابع عمده شیلات دریایی جهان که در شرایط کاهش جدی ناشی از ماهیگیری مفرط قرار دارند و بقیه که به اندازه و یا بیش از حد محدودیت‌های طبیعی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند سبب می‌شود که استعداد و ظرفیت تقابل سیاسی و حتی نظامی درحال رشد باشد. کشورهای ساحلی نظیر کانادا، شیلی و روسیه که ماهیگیری در منطقه انحصاری- اقتصادی آنها از طریق عملیات ناوگان ماهیگیری دوردست در دریاهای بزرگ جانبی آنها کاهش می‌یابد، برای توقف کشتی‌هایی که در جستجوی ماهیگیری بی‌رویه حتی در خارج از منطقه انحصاری - اقتصادی می‌باشند خود را آماده تهدید به کاربرد زور نموده‌اند.[۱]

۲- حمایت بین‌المللی از آلودگی زیست محیطی ناشی از دفع پسماندها

مساله محیط‌زیست و آلودگی‌های ناشی از آن چیزی نیست که تنها منحصر به یک کشور یا کشورهای خاصی باشد و اکثر آلودگی‌هایی که در یک کشور و یک گوشه دنیا اتفاق می‌افتد به چندین کشور دیگر سرایت می‌کنند. هوای آلوده یک کشور و شهرهای مرزی، محدود به خود نگشته و کشور همجوار خود را نیز آلوده می‌کند.

آب‌های آلوده که از چند کشور عبور می‌کنند، اقیانوس‌های آلوده، کاسته شدن از لایه ازن همه و همه مسائلی نیست که تنها منحصر به یک کشور باشد، از این جهت نیازمند همکاری بین‌المللی و فعالیت و تلاش همه دولت‌هاست.

۱- علیزاده عمران؛ زهرا پیشگاهی فر، (۱۳۹۰) «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴، بهار، ص ۱۱۷.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

حقوق محیط‌زیست مساله جدیدی است و پس از کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ در کانون توجهات قرار گرفت و شاید بتوان گفت این کنفرانس باعث شد که این حقوق در سطح ملی اکثر کشورها از ساختار منسجم تری برخوردار شود. [۱]

البته قبل از آن تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته بود. مثلاً در زمینه مبارزه با آلودگی نفتی در دریاها نخستین کوشش بین‌المللی در این زمینه در دهه ۱۹۲۰ میلادی تحقق یافت. بدنبال تلاش‌های دهه ۱۹۲۰ میلادی، در سال ۱۹۵۴ کنفرانسی به دعوت انگلستان برگزار شد. نمایندگان ۳۲ کشور و ناظرانی از ۱۰ کشور در این کنفرانس شرکت نمودند.

در زمینه جلوگیری از آلودگی هسته‌ای نیز عهدنامه مسکو در اوت ۱۹۶۳ مورد تصویب قرار گرفته است که ۱۰۲ دولت این عهدنامه را امضاء کرده‌اند و نوعی خاص از آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را منع می‌کند.[۲]

اما پس از کنفرانس محیط‌زیست بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ میلادی در استکلهم، برنامه‌ی محیط‌زیست سازمان ملل متحد به عنوان بازوی اجرایی جهانی این سازمان در حفظ و نگه‌داری از محیط‌زیست به وسیله‌ی مجمع عمومی تاسیس گردید تا وضعیت محیط زیست جهانی و اثرات سیاست‌ها و تدابیر زیست محیطی در سطح ملی و بین‌المللی را مدیریت نماید. [۲]

پیش از پذیرش کنوانسیون بازل در خصوص حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها در سال ۱۹۸۹ میلادی، شورای حکام یونپ نظارت بر پسماندهای خطرناک را به عنوان یک نگرانی جهانی مورد شناسایی قرار داد و به منظور توسعه ی دستورالعملی فنی در جهت مدیریت پسماندهای خطرناک اقدام نمود. در همین راستا نیز یکی از اهداف برنامه ی ۱۹۸۲ میلادی مونته ویدئو (که طی تصمیم ۱۰. ۲۱ شورای حکام یونپ به تصویب رسید) رسیدگی به حمل و نقل، کنترل و دفع پسماندهای سمی و خطرناک بوده است که به برنامه ی محیط زیست ملل متحد (یونپ) به منظور توسعه ی دستورالعمل قانونی مدیریت پسماندهای خطرناک رهنمودهایی را ارائه نمود. در همین چارچوب یونپ گروه کاری از

۱- سام خسروی راد، محیط زیست داریم، قانون محیط زیست نداریم، روزنامه انتخاب، شماره ۱۲، ۷۹/۳/۳ ص ۱و۲.

۲- پیران صدیقه (۱۳۸۵) «اصلاح ساختار سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست»، نشریه راهبرد، ش ۴۱، ص ۶۳.

یونپ مرکب از شورای حکام، دبیرخانه و صندوق محیط زیست میباشد. شورای حکام یونپ نقش قابل توجهی را در انعقاد موافقتنامه های منطقه ای و جهانی داشته و در شکل گیری اصول و توصیه هایی به عنوان حقوق نرم ۱۳ بویژه در زمینه ی منابع طبیعی مشترک، تغییرات آب و هوا، اکتشاف و استخراج در اعماق دریا، ممنوعیت و محدودیت مواد شیمیایی، مواد زائد خطرناک، آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی و ارزیابی پیامدهای زیست محیطی نقش موثری داشته است. (کیس الکساندر و دیگران (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهر، صص ۱۸۷-۱۸۸.) صندوق محیط زیست نیز منابع مالی را برای اجرای طرح های زیست محیطی یونپ فراهم ساخته و دبیرخانه ی دائمی یونپ در کنار انجام وظایف اداری، طرح های کشورها را در زمینه حفاظت مناطق مختلف دریایی، آلودگی هوا، تغییرات جوی وغیره را به شورای حکام ارائه می دهد. (موسی زاده رضا، (۱۳۹۱)، سازمان های بین المللی، تهران، نشر میزان، ص ۲۱۹.)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

متخصصان فنی و قانونی را در سال ۱۹۸۵ میلادی در قاهره با موضوع دستورالعمل‌ها و اصول مدیریت صحیح و دفع پسماندهای خطرناک گردهم آورد. در نهایت شورای حکام دستورالعمل قاهره را تصویب نمود و از دبیر اجرایی یونپ درخواست کرد که یک گروه کاری را به منظور آماده کردن کنوانسیونی مبتنی بر نظارت بر حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک در اوائل سال ۱۹۸۹ میلادی گرد هم بیاورد. بالاخره در نتیجه این تلاش‌های یونپ، کنوانسیون بازل در ۲۲ مارچ ۱۹۸۹ میلادی به تصویب رسید.[۱] هدف این کنوانسیون حفاظت از سلامت انسان و محیط‌زیست در برابر اثرات نامطلوب پسماندهای خطرناک میباشد. کنوانسیون بازل طیف گسترده‌ای از پسماندها را براساس منشاء یا خصوصیت آنها به عنوان پسماندهای خطرناک دربرمی‌گیرد و در کنار آنها نیز دو نوع از انواع پسماندها یعنی پسماندهای خانگی و بقایای حاصل از سوازندن مواد زائد خانگی را با عنوان «دیگر پسماندها» معرفی نموده است.

لازم به ذکر است که مقررات کنوانسیون بازل حول ۳ محور ذیل قرار دارد:

۱- کاهش تولید پسماندهای خطرناک و ارتقاء مدیریت سازگار با محیط زیست پسماندهای خطرناک در هر جایی که محل دفع آنها باشد.

۲- محدود کردن حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک به جز جایی که منطبق با اصول سازگار با محیط‌زیست است.

۳- اعمال یک نظام نظارتی در حمل و نقل فرامرزی پسماندها.

محور اول را می‌توان در قالب ماده ۴ کنوانسیون با عنوان «تعهدات عمومی دولت‌ها» مشاهده نمود. محور دوم محدودیت هایی را در رابطه با حمل و نقل فرامرزی پسماندها بیان می‌دارد؛ به عنوان مثال: نمی‌توان پسماندها را به کشورهایی که عضو کنوانسیون نیستند و یا ورود پسماندها را به داخل کشورشان ممنوع کرده‌اند، وارد نمود.

در رابطه با محور سوم باید اذعان نمود، نظام نظارتی بر اساس رضایت آگاهانه قبلی، سنگ بنای کنوانسیون بازل را تشکیل می‌دهد. این نظام مستلزم آن است که قبل از اینکه صادرات صورت گیرد مقامات کشور صادرکننده، مقامات کشور واردکننده را با اطلاعات دقیق در مورد پسماندها و شیوه‌ی حمل و نقل پسماندها مطلع نمایند. بنابراین طبق این مقررات، حمل‌ونقل در صورتی انجام می‌گیرد که کشور واردکننده رضایت کتبی خود را به کشور صادرکننده اطلاع دهد. در همین راستا کنوانسیون بازل این مسئله را مورد توجه قرار داده است که در صورتی که حمل‌ونقل فرامرزی پسماندها به صورت غیرقانونی باشد و یا حمل و نقل نتواند به صورت موفقیت‌آمیزی صورت بگیرد کشور یا

۱- طلایی فرهاد؛ حیدری الهام، (۱۳۹۴) «نقش سازمان های بین المللی دارای صلاحیت جهانی در مقابله با آلودگی زیست محیطی ناشی از پسماندها»، مطالعات حقوقی، تابستان، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۱۲۸.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

کشورهای درگیر در این حمل و نقل مسئول مـی‌باشـند و بـایسـتی ایـن پسـماندها را یا به روش ایمن دفع کنند یا به کشوری که پسماندها را تولید کـرده اسـت بـرگردانند. هـمچنین کنوانسیون بازل همکاری بین اعضـاء را (بـه ویـژه بـین کشـورهای توسعه یافته و در حال توسعه) در خصوص مسائل فنی کـه می تواند در اجرای هـر چـه بهتر مقررات کنوانسـیون مفیـد باشـد، پـیش بینـی نمـوده اسـت.[۱]

یکـی دیگـر از اسنادی که توسط یونپ مورد تصویب قـرار گـرفـت و می تـوان آن را مکمل در اجرای صحیح مدیریت پسماندهای خطرناک دانـست «کـنوانسیون استکهلم در زمینه ی آلاینده‌های پایدار» است. این کنوانسـیون در جهـت رفع عـوارض ناشـی از آلاینده‌های پایدار در چـارچوب اجـرای کنوانسیون روتردام تحت عنوان «آئین اعـلام رضایت قـبلی بـرای بـرخی موادشیمیائی و سموم دفع آفـات خطرنـاک در تـجـارت بـین‌المللی» پذیرفتـه شـد. نظـر بـه سـمیت و خطرنـاک بـودن برخـی از مـواد موجـود در کـنوانسیون روتـردام، پیشنهادی جهت ممنوعیت تجارت برخی از این مواد مدنظر قـرار گرفت کـه مبنای ایجاد کنوانسیون جدیدی تحت عـنوان کـنوانسـیون آلاینـده‌هـای پایـدار گردید. با توجه به خطرات و مضرات حاصل از آلاینده های پایدار بر سـلامت انسـان و محیط‌زیست، شورای حکام یونـپ در تـاریخ ۷ فـوریه سال ۱۹۹۷ میلادی از مـدیر اجـرایی یونپ درخواست نمود تـا بـه همراه سازمان های بین المللی ذیربط نسبت به ایجاد کمیته ی مذاکراتی بین‌المللی بـرای انـعقاد سند بین‌المللی الزام آوری در مورد این مواد اقدام نماید.

مجموع این جـلسات و مـذاکرات، مـنجر به شـکل‌گیـری کـنوانسیون اسـتکهلم شـد و در سال ۲۰۰۱ میلادی این کنوانسیون با هدف از رده خارج نمودن و حذف کامل ۱۲ مـاده بسیار سـمی و خـطرناک از محیط زیست به ترتیب تـا سـال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۸ مـیلادی بـه امضا رسـید. علاوه بر حـذف نـمودن ۱۲ ماده سمی و بسـیار خطرنـاک، توجـه بـه اصـل پانزدهم اجلاس ریو در خصوص محیط زیست و توسعه ی پایدار در راستای حفاظت از سـلامت انـسان و مـحیط زیست در مقابل آلاینده های پایدار و عدم تولید ایـن ۱۲ مـاده خـطرناک و جـایگزینی آنـها بـا مـواد کم خطرتر، کـاهش و ممنوعیـت مصـرف، ممنوعیـت واردات و صادرات، از بین بردن مواد ذخیره شده و پاک‌سازی مناطق آلوده بـه آنهـا، از دیگر اهداف کنوانسیون می‌باشد.[۲]

1- BASEL. (2014). "The Convention, Overview", www. basel. int.

۲- دبیری فرهاد؛ عباس پور هاشمی عبادی تقی؛ منوچهری میلوفر، (۱۳۸۹) «بررسی ابعاد حقوقی کنوانسیون pops در ایران به منظور ارایه چارچوب قانونی برای کنترل آلاینده های آلی پایدار در سطح ملی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست»، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان، ص ۱۳۵.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۳- اصول حاکم در جهت دفع و امحا پسماندهای هسته‌ای

۳-۱- اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین

استفاده غیرزیانبار از سرزمین یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود که در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ پیش‌بینی گردید. این اصل بر حقوق حاکمه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع شان مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود تاکید می‌کند و این امر را متذکر می‌شود که دولت‌ها مسوولند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نگردد. این اصل در اسناد و آرا داوری و دادگستری بین‌المللی مورد تایید و شناسایی قرار گرفته است.[۱]

مطابق این اصل هر دولت متعهد است به نحوی عمل کند که فعالیت‌های انجام شده در سرزمین خود موجب زیان به دولت دیگر یا جایی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست وارد نیاید. اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین در حقوق بین‌الملل از مقام و منزلت فوق العاده‌ای برخوردار است. طرح این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است: اول این که استفاده غی زیا بار از سرزمین یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و در ثانی این اصل به سبب رابطه‌ای که با سایر اصول حقوق بین‌الملل دارد موجب تحکیم و تقویت روابط دوستانه مابین تابعان اصلی حقوق بین‌الملل می‌شود و در نهایت این اصل به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از محیط‌زیست بازی می‌کند.[۲]

الف- شناسایی و پذیرش اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین در اسناد محیط‌زیستی

این اصل برای اولین بار در اعلامیه‌ی استکهلم مورد شناسایی قرار گرفت. به موجب اصل ۲۱ این اعلامیه دولت‌ها، بر طبق منشور سازمان‌ملل‌متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابع شان، مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود می‌باشند و مسئول هستند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه‌ی صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نگردد».

در اجلاس آتن در سال ۱۹۷۹ انستیتو حقوق بین‌الملل به عنوان ارگان خصوصی تدوین به اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین توجه کرده و اقدام به پیش‌بینی این اصل در قالب قطعنامه‌ای تحت عنوان "آلودگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و حقوق بین الملل" کرد.

۱- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، (۱۳۸۶) «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست»، علوم محیطی، سال چهارم، شماره چهارم، تابستان، صص ۵۸-۵۷.

۲- افتخار جهرمی گودرز، (۱۳۸۸) «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۵۰، ۱۱-۱۳.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

انستیتو در اقدامی دیگر در سال ۱۹۹۷ در اجلاس استراسبورگ در مقدمه قطعنامه "مسئولیت در حقوق بین‌الملل در قبال خسارات وارده به محیط‌زیست" این اصل را بدین صورت متذکر می‌شود که اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال حفاظت از این که فعالیت انجام شده تحت صلاحیت یا تحت نظارتشان سبب ورود خساراتی به محیط‌زیست در دول دیگر یا در مناطقی که در ورای صلاحیت ملی آنها واقع شده، نگردد.

علاوه بر انستیتو حقوق بین‌الملل، طرح پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال زیان بار منع نشده در حقوق بین‌الملل در ماده۳ مقرر می‌دارد که : «کشورها تمام تدابیر مناسب برای پیشگیری از خسارات فرامرزی قابل توجه را اتخاذ می‌کنند تا خطر به حداقل برسد».

قسمت اخیراصل ۱۳ اعلامیه ریو نیز به اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین اشاره دارد و مطابق آن «دولت‌ها باید قوانین ملی در خصوص مسئولیت ناشی از صدمات ناشی از آلودگی و دیگر صدمات وارده به محیط‌زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین نمایند به علا وه دولت ها باید برای تدوین مقررات بین‌المللی جدید در مورد مسئولیت و پرداخت غرامت در قبال خسارتی که در اثر فعالیت‌های انجام شده در تحت صلاحیت و اقتدار آنها به مناطق واقع در خارج از قلمرو ملی ایشان وارد می‌آید. با دقت و قاطعیت تمام با یکدیگر همکاری نمایند.

بنابراین و در مجموع می‌توان گفت اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین جزء اصولی است که قبلا در اعلامیه استکهلم شکل گرفته و توسط اعلامیه ریو و کنوانسیون مربوط به تنوع بیو لوژیک مورد تأیید مجدد قرار گرفته است.[۱]

ب- محتوای اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین و ارزش حقوقی آن در حقوق بین‌الملل

این اصل تعامل دو موضوع حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست را نشان می‌دهد. تحلیل محتوای اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین چند نکته اساسی را برای ما مشخص می‌کند:

اولاً: این اصل پایگذار حمایت از محیط‌زیست در آلودگی‌های فرامرزی است. نقش کلیدی اصل مزبور زمانی به خوبی آشکار می‌شود که موضوع حمایت از محیط‌زیست در آلودگی‌های فرامرزی مطرح باشد زیرا این حمایت یکی از مشکلات و اختلافات بالقوه بین حاکمیت‌هاست.[۲]

اصولاً وقتی از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست صحبت می‌کنیم اولین موضوعی که بیش از هر چیز توجه ما را به خود جلب می‌کند موضوع ارزش حقوقی اسناد محیط‌زیستی است. مهمترین مشخصه غالب اسناد بین‌المللی زیست محیطی ویژگی اعلامی بودن آنهاست و به همین سبب حقوق قوام نایافته از مقام

۱- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست»، همان، صص ۵۹-۶۰.

۲- پیشین، ص ۶۰.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

و منزلت ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برخوردار است. توصیف یک نرم حقوقی به صفت قوام نایافته عموما مبین محدود بودن قدرت الزامی آن نرم است. به عبارت دیگر وصف یک نرم به این ویژگی (قوام نا یافتگی) نقش مهمی در جدا نمودن دو عالم مختلف یعنی حقوق از غیر از حقوق بازی می‌کند. به تعبیر دیگر عالم قوام نایافتگی مرحله‌ای قبل از مرحله الزامی است و با خروج از آن مبدل به یک قاعده الزام‌آور می‌شود.[۱]

حال باید دید که اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین که در اسناد متعدد محیط‌زیستی به آن اشاره شده است دارای این چنین خصیصه‌ای است یا خیر؟ با توجه به اینکه غالب اسناد اعلامی ناشی از کنفرانس‌های بین‌المللی محیط‌زیستی دارای قدرت الزامی کامل نیستند ولی این متون بیانگر ظهور اصولی در پراتیک دولت‌ها و سازنده مبانی شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی‌اند و به نظر آموزه‌های حقوقی اصول اعلام شده در این اعلامیه ها منعکس کننده قواعد حقوق بین الملل عرفی است.

به طور کلی اعلامیه استکهلم و ریو به عنوان نخستین گام‌های در خصوص توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شوند ولی باید توجه داشت که محتوای اصول مذکور در این اسناد دارای ارزش حقوقی یکسانی نیستند؛ بعضی از این اصول د بردارنده ماهیتی اعلامی و بعضی در بردارنده تعهدات بین‌المللی برای دولت‌ها هستند. در نتیجه این موضوع سبب ایجاد رویکردی دوگانه نسبت به ماهیت و ارزش حقوقی این اعلامیه‌ها در نظام بین‌المللی می‌گردد. تبلور اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم مبین تعادل بین حق دولت‌ها در توسعه یافتن و تکلیف و تعهد آنها در عدم ورود خسارت به محیط زیست در ورای مرزهای ملی است. این اصل در کنار اصل پیشگیری و احتیاط جزء اصول مادی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شود و دارای وضعیت مستقلی در حقوق موضوعه بین المللی است. تأکید مداوم دیوان بین المللی دادگستری بر اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین نقش محوری دارد و هویت و ارزش اصل مزبور را آشکار می‌سازد. تعهد و تکلیف فوق بخشی از (بدنه) مجموعه حقوق بین‌الملل محیط زیست است.[۲]

۳-۲- اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

اصل همکاری بین‌المللی که در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی تلقی می‌گردد جایگاه خاصی دارد. در این چارچوب، بهره‌برداری منطقی و معقولانه از سرزمین و مدیریت منابع مشترک همچون منابع آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، تغییرات آب وهوا و تنوع‌زیستی نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است. تمایل جهانی به همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت

۱- افتخار جهرمی گودرز، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، همان، صص ۱۶-۱۵.

۲- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست»، همان، صص ۶۴-۶۳.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

محیط‌زیست، در بسیاری از اسناد الزام‌آور و غیرالزام آور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تصریح شده که آغازگر آن را می‌توان اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ دانست.

به موازات رشد اقتصادی و انقلاب صنعتی در غرب و روند فزاینده صنعتی شدن، محیط‌زیست در معرض تخریب و دگرگونی قرار گرفت. از یک طرف، وقوع حوادث ناگواری همچون حادثه کشتی توری کانیون ضرورت قاعده‌مندسازی رفتارها و اقدامات را هشدار می‌داد و از سوی دیگر، میل به داشتن محیط زیست سالم و پیشگیری از تخریب و نابودی آن، اعضای جامعه بین‌المللی را به سمت وسوی تدوین و تصویب اسناد حقوقی در این زمینه تشویق می‌نمود و موجبات تدوین و گسترش اصول و قواعد حقوقی الزام‌آور زیست‌محیطی، در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد. [۱]

در واقع هر چند دولت‌ها دارای حاکمیت مستقل هستند، ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست، یک الزام کلی به همکاری با دیگر دولت‌ها را به عنوان یک اصل در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین‌المللی است، مورد توجه قرار داده است. بر پایه این اصل دولتها، موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند. طبیعی است که این همکاری باید در خصوص محیط‌زیست، به ویژه مشترکات جهانی از جمله دریای آزاد، قطب جنوب و. . . برجسته‌تر باشد. [۲]

الزام دولت‌ها به همکاری، ریشه در حقوق بین‌الملل عمومی دارد و وجود هزاران معاهده بین‌المللی اعم از معاهدات دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی، نیاز به همکاری با دیگر دولت‌ها را در سطوح مختلف، از جمله محیط زیست نمایان می‌سازد.

الف- معاهدات و پروتکل‌ها

در کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۷ در ماده ۲ تحت عنوان مقررات عمومی چنین بیان می‌دارد که: «همکاری میان اعضا می بایست از طریق مشاهدات، پژوهش و مبادله اطلاعات به طور منظم جهت فهم بهتر و ارزیابی اثرات فعالیت‌های انسان بر لایه ازن و اثرات تغییرات لایه ازن بر سلامت انسان و محیط‌زیست، اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری در هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌های شایسته جهت کنترل فعالیت‌های انسانی که یقیناً یا احتمالاً موجد اثرات سوء بر لایه ازن می‌باشند، همکاری در تدوین اقدامات و رویه‌ها به منظور تصویب پروتکل‌ها، همکاری با ارگان‌های ذیصلاح بین‌المللی جهت اجرای مؤثر این کنواسیون باشد و. . . ». از طرفی، ماده ۴ این کنواسیون، همکاری در زمینه‌های حقوقی، علمی و فنی را نیز، مورد تأکید قرار داده است.

۱- مولایی آیت، (۱۳۸۸) مبانی و اصول توسعه پایدار زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، خرسندی، حقوق محیط‌زیست (نظریه ها و رویه ها)، چ اول، ص ۴۱۰.

۲- موسوی سید فضل الله، (۱۳۸۵) سیر تحولات منابع حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان، چ اول، ص ۱۷۶.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیم با این عبارات به اصل همکاری بین‌المللی پرداخته است: «کشورهای توسعه‌یافته بایستی تمامی اقدامات لازم را به منظور ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فنآوری کامل و معقول زیست محیطی به سایر اعضا، بویژه کشورهای درحال توسعه، جهت ارتقای توان آنها انجام دهند. آنها همچنین باید از توسعه و ارتقای فناوری‌ها و قابلیت‌های کشورهای درحال‌توسعه حمایت نمایند». این ماده همکاری از طریق تبادل اطلاعات علمی و فنآوری را مدنظر قرار می‌دهد.

در ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدایی ۱۹۹، در رابطه با کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی و یا بیابان زایی مواجه هستند، تحت عنوان تعهدات عمومی، تصریح شده است که «اعضا باید همکاری بین کشورهای مبتلا به در زمینه های حفاظت از محیط زیست و حفاظت از منابع آب و خاک را توسعه دهند و نیز همکاری های زیرمنطقه ای، منطقه ای و بین المللی را تقویت نمایند. در ماده ۱۱ همان کنوانسیون تحت عنوان همکاری بین‌المللی اشعار می دارد که: «طرف های متعاهد باید با جامعه بین‌المللی همکاری نمایند تا از اعتلای یک محیط‌زیست بین‌المللی جهت اجرای مفاد این کنوانسیون اطمینان یابند. این همکاری باید زمینه انتقال فنآوری وهمچنین تحقیقات و توسعه علمی، جمع‌آوری و توزیع اطلاعات و منابع مالی را نیز تحت پوشش قرار دهد». این کنوانسیون همکاری‌های فنی و علمی را نیز در مواد ۱۶ و ۱۷ مورد توجه قرار دهد. از این رو معاهدات فوق الاشاره، «اصل همکاری بین‌المللی» را به عنوان یک الزام و تکلیف برای دولت‌ها در جهت حفاظت محیط‌زیست مقرر نموده است.

ب- حقوق بین‌الملل عرفی

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تریل اسملتر ۱۹۴۱، در خصوص آلودگی فرامرزی این گونه استدلال می‌کند که اطراف اختلاف، بایستی با یکدیگر همکاری نمایند تا مسائل مربوط به خسارت ناشی از آلودگی هوای ناشی از کارخانه تریل اسملتر را به طور مشترک، مورد حل وفصل قرار دهند. از سوی دیگر، دولت‌ها در کنفرانس ملل متحد در رابطه با انسان و محیط‌زیست در سال داشتن محیط زیست سالم و قابل زندگی با توجه به شئونات « ۱۹۷۲ در شهر استکهلم طی اعلامیه‌ای را یک حق شناخته‌اند و به همین لحاظ حق دسترسی به محیط‌زیست سالم، یک حق» و رفاه انسان ها بنیادین محسوب می گردد. اصل ۲۴ اعلامیه، وجود روحیه همکاری میان اعضا را، در راستای رسیدگی به موضوعات بین‌المللی از جمله حفاظت محیط زیست، ضروری می‌داند. در واقع، حفاظت محیط‌زیست، می‌تواند موجد حق و تکلیف برای اعضای جامعه بین‌المللی باشد. در اجرای این حق و تکلیف، اصول و قواعدی قابلیت اجرایی بین‌المللی خواهد یافت و به دلیل این که همه دولت ها بدون استثناء در آن سهیم خواهند بود، به صورت حقوق بین‌الملل عرفی نمایان می گردد. بسیاری از قواعد عرفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

رویه دولت‌ها شکل می‌گیرد و اصل همکاری نیز، از جمله قواعدی است که ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی دارد.[۱]

بر این اساس اصل همکاری اصلی است که تمامی دولت‌ها اعم از این که عضو کنوانسیون های زیست‌محیطی باشند یا خیر، ملزم به رعایت آن هستند.

ج- آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی

اصل همکاری، در آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی دیگر نیز مورد استناد قرار گرفته است. بر همین اساس، دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اختلاف میان دولت‌های مجارستان - اسلواکی در قضیهٔ گابسیکوو - ناگیماروس ۱۹۹۷ تصدیق می کند که دولت اسلواکی به علت «عدم همکاری بر اساس حسن نیت» تعهدات خود، تحت عنوان حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. همچنین، دیوان در خصوص اختلاف دولت آرژانتین با اروگوئه، در خصوص صدور و اعطای مجوز به یک کارخانه در کنار رودخانه اروگوئه و نگرانی از خطرات احتمالی ناشی از آن، موجب شد تا آرژانتین در ۴ می ۲۰۰۶ دعوایی را علیه اروگوئه در دیوان بین‌المللی دادگستری، طرح نماید. آرژانتین در دادخواست خود، مدعی گردید که اروگوئه تعهدات قراردادی خود را در خصوص رودخانه اروگوئه نقض کرده است. دیوان در رأی خود به اصول مختلفی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اشاره نمود. در ابتدا، دیوان اصل «بار اثبات دعوا بر دوش مدعی است» را در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مطرح می‌سازد و آرژانتین را موظف به ارائه اسنادی مبنی بر نقض اساسنامه رودخانه می‌کند. سپس، دیوان به ماهیت کمیسیون اداره رودخانه اروگوئه می‌پردازد و آن را برای تحقق تعهد به همکاری مذکور در ماده ۱ اساسنامه، لازم و ضروری می‌داند. از سوی دیگر، دیوان تعهد به اطلاع‌رسانی به کمیسیون را از اسباب همکاری میان اطراف معاهده می‌داند. هم چنین، در قضیه ماکس (ایرلند علیه انگلیس) رأی دیوان بین المللی حقوق دریاها در سوم دسامبر ۲۰۰۱ نشان داد، که تعهد به همکاری قانوناً می‌تواند قابل اجرا باشد. ایرلند با استناد به ماده ۱۲۳ کنوانسیون حقوق دریاها به این مطلب اشاره کرد که دولت ها در زمینه اعمال حقوق و اجرای تعهدات و تکالیفشان می‌توانند با یکدیگر همکاری نمایند. دیوان در این قضیه این گونه نتیجه‌گیری کرد که کنوانسیون حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل عمومی به منظور جلوگیری از آلودگی دریاها از طریق اتخاذ اقدامات موقتی، موظف به همکاری با یکدیگر می‌باشند.[۲]

۱- پور هاشمی سید عباس زارعی سحر خاعتبری یلدا، (۱۳۹۲) «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم شماره ۳۹، بهار و تابستان، صص ۷۲-۷۱.

2- Kiss, Alexandre, Shelton, Dinah, guide to International Environmental Law, United states of America, Martinus nijhoff publishers, June 2,1925-March 22,2007. p. 13

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۳-۳- اصل مسئولیت کشورها در قبال صدمه به محیط‌زیست دیگر کشورها در زمینه آلودگی‌های فرامرزی

الف- مسئولیت کشور آلوده‌کننده

حقوق محیط‌زیست مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی است که هدف آن حفاظت از محیط‌زیست است. در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته و معیارهای جهانی مشترک جهت به نظم درآوردن اعمالی خاص و یا ممنوع ساختن برخی فعالیت‌ها اتخاذ گردیده است. اما این به تنهایی کافی نیست، بلکه مهم ضمانت اجرا و مکانیسم جبرانی نقض قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست، یا به عبارت دیگر، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض آن قواعد است. کشورها بر طبق اصول سنتی حقوق بین‌الملل تنها مسئولان در این حیطه شناخته می‌شوند. در حقوق بین‌الملل دو نوع مبنا برای مسئولیت مطرح شده است که یکی ازآنها دارای قدمت بیشتری است.[۱]

این دو نوع مسئولیت شامل مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت عینی یا نظریه خطر است. در نظریه مبتنی بر تقصیر انجام عمل یا خودارری از انجام عملی که مخالف مقررات بین‌المللی باشد کافی نیست، بلکه وجود تقصیر از جانب کشور مسئول شرط می‌باشد. اگرچه این نظریه پایه و اساس آراء زیادی در قرن نوزدهم و بیستم شده بوده ولی از آنجایکه روابط بین‌المللی و پیشرفت فناوری، در بسیاری از موارد اثبات خطای دولت را غیرممکن ساخته است، لذا به نظر می‌رسد اعمال نظریه تقصیر منجر به عدم جبران خسارت زیست‌محیطی می‌شود. لذا در شرایطی که هنوز جامعه جهانی فاقد ارگانی واحد و کارآمد در زمینه مدیدیت و حفاظت زیست‌محیطی می باشد، صحیح آنست که دامنه اجرای این عامل را محدود سازیم. این گونه اشکلات بسیاری از محققان را به این سمت سوق داده است که معیار مسئولیت محض را برای موضوع آلودگی فرامرزی ارایه کنند. مسئولیت محض بعد از وقوع یک حادثه زیان بار عمده به طور خود به خود، مسئولیت جبران خسارت را بر کشور عامل آلودگی بار می‌نماید.[۲]

به عبارت دیگر به محض اینکه بین فعالیت‌ها و اعمال یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی و عمل مخالف حقوق بین‌الملل رابطه علیّت برقرار گردید، مسئولیت بین‌المللی ایجاد شده است.[۳]

با وجود توجه زیادی که جامعه حقوقی بین‌المللی به مساله مسئولیت بین‌المللی در مورد آلودگی مرزگذر مبذول داشته است، هیچگونه ساختار عملی از حیث مسئولیت قضایی ایجاد نگردیده است.[۴] اما در کنار این دو مبنا، نظریه جدید سومی تحت عنوان مسئولیت برای اعمال منع نشده، در حقوق بین‌الملل مطرح شده است. مطابق این نظریه صرف ورود خسارت از سوی یک کشور به دیگر کشور، برای ایجاد

۱- زمانی سید قاسم، (۱۳۸۱) «توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست»، مجله پژوهش های حقوقی سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۲۹-۲۸.

۲- موسوی فضل الله، (۱۳۸۰) حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان، صص ۷۸-۷۷.

۳- ضیایی بیگدلی محمد رضا، (۱۳۸۸) حقوق بین الملل عمومی، تهران، نشر گنج دانش، ص ۴۷۴.

۴- موسوی فضل الله، حقوق بین الملل محیط زیست، همان، ص ۵۶.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مسئولیت کافی است، هرچند رفتار یا عمل انجام گرفته، از دید حقوق بین‌الملل مجاز بوده است. این نظریه، که متاثر از پیشرفت‌های علمی و فناوری معاصر است که حقوق بین‌الملل را به انطباق با شرایط جدید واداشته است، به ویژه شدت خسارات ناشی از آلودگی‌های فرامرزی که ممکن است برخی از فعالیت‌های مشروع و مجاز کشورها برای بشریت و محیط‌زیست پیش آورد، زمینه ایجاد این نظریه را فراهم ساخته است.[۱]

همانطور که اشاره شد در حقوق بین‌الملل محیط زیست، جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته اما در نظریات مسئولیت پرداخت غرامت فرع بر ورود خسارت دانسته شده است، و به جلوگیری از ورود خسارت و آلودگی اشاره نشده است. بنابراین تحلیل‌گران امروزی درصدد اعمال تکالیف شکلی و اجرایی بر دولت‌ها هستند) تکالیفی نظیر ارزیابی خسارات و زیان‌های بالقوه محیط‌زیستی که ناشی از فعالیت‌ها و اقدامات درون مرزی یک کشور به کشور دیگراست (تا آموزه مسئولیت دولت‌ها را، قبل از اینکه آلودگی صورت پذیرد، اعمال نماید.[۲]

بنابراین یک دولت وظیفه دارد کلیه معیارهای معقول و متعارف را در جهت جلوگیری از آلودگی های عمده فرامرزی رعایت نماید. به عنوان مثال، هنگامی که یک دولت در وضع مقررات لازم محیط زیستی در رابطه با حفاظت از پوشش گیاهی یا جلوگیری از فرسایش خاک و یا حفاظت صحیح از تالاب‌ها و زیستگاه کوتاهی نماید، آن فعالیت آلوده‌کننده و مخرب را می‌توان به آن دولت منتسب کرد و در حقیقت کشور مذکور تعهدات بین‌المللی‌اش مبنی بر استفاده صحیح از منابع را نقض کرده است. با توجه به ویژگی مرزگذر بودن پدیده گردو غبار به نظر می‌رسد که کشورها بایستی مطابق اصل ۵۱ اعلامیه استکهلم که به حقوق حاکمه کشورها در رابطه با منابعشان مطابق با سیاست‌های زیست‌محیطی اشاره می‌کند ولی درکنار این حق به تکالیف و مسئولیت کشورها در قبال این فعالیت‌ها که منجر به ورود زیان به محیط‌زیست کشورها یا مناطق خارج از محدود ملی آنها نگرد، عمل نمایند. بنابراین کشورها و به ویژه آنهایی که در معرض خطر این بحران هستند موظفند نهایت تلاش خود را در زمینه همکاری بایکدیگر در جهت کاهش اثرات و جلوگیری کامل این پدیده از طریق وضع قوانین داخلی موثر و اجرای برنامه‌های کاربردی داخلی و منطقه‌ای انجام دهند. اگرچه عرف بین‌المللی تا اندازه‌ای قواعد مسئولیت را بیان داشته است اما به نظر می‌رسد وجود موافقتنامه چند جانبه‌ای در مورد مسئولیت کشورها در قبال توفان‌های گرد و غبار که آن کشورها منبع و سرچشمه این نوع توفان به حساب می‌آیند و یا در مسیر این توفان باعث شدت گرفتن آن می شوند، ضروری به نظر می‌رسد.

۱- ضیایی بیگدلی محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، همان، ص ۴۷۴.

۲- موسوی فضل الله، حقوق بین الملل محیط زیست، همان، ص ۴۴.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ب- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

کشورها در حفاظت از محیط زیست مسئولیت مشترک دارند، اما مسئولیت کشورها در این امر با یکدیگر متفاوت است. این تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی به لحاظ تاریخی با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه یافته و توانایی‌های مالی و فناوری این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست محیطی توجیه می شود. در واقع نه تنها مقدار سهم متفاوت می باشد بلکه ماهیت آن نیز متفاوت است.[۱]

در خصوص مسئولیت کشورها برای مقابله با اثرات مخرب ریزگردها و جلوگیری از گسترش آنها قاعدتاً کشورهای منشاء ضرر و کشورهای که به دلیل الگوهای ناصحیح مصرف باعث ایجاد چنین شرایطی شده‌اند مسئولیت بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند. متأسفانه در مورد ریزگردها تاکنون در سندی الزام‌آور به مسئولیت کشورها اشاره نشده است و بعضا در برخی از اسناد غیرالزام‌آور در قالب قطعنامه‌ها و یا اعلامیه‌ها هنجاری به مسئولیت کشورها منشأ ضرر اشاره شده است. در این رابطه نقش سازمان‌های منطقه‌ای که معمولاً اکثر کشورهای منطقه در آن عضویت دارند بسیار حائز اهمیت است.[۲]

۳-٤- اصل اطلاع‌رسانی فوری و به موقع در مورد خسارات فرامرزی به محیط‌زیست

مبادله اطلاعات و دسترسی به اطلاعات پیش نیاز اصل همکاری در حوزه محیط‌زیست می‌باشد. اصول ۱۹ و ۱۳ اعلامیه ریو[۳]در مورد محیط‌زیست ۱۳۳۵به تعهد کشورها در مورد اطلاع‌رسانی در شرایط اضطراری و فجایع محیط‌زیستی اشاره دارد. اطلاع‌رسانی سریع از جانب کشور منشاء ضرر باعث می‌شود کشورهای دیگر در به حداقل رساندن خسارات به محیط‌زیست خودشان یا مناطقی که خارج از صلاحیت آنها به شمارمی روند، موفقتر عمل نمایند.[۴]در اسناد متعدد بین‌المللی به تعهد کشورها در مورد اطلاع‌رسانی در شرایط اضطراری و مواقعی که کشورها در حال انجام فعالیتی هستند که احتمالاً اثرات فرامرزی خواهند داشت، اشاره شده است.[۵]که از مهمترین این اسناد می‌توان به کنوانسیون کمک رسانی به هنگام وقوع

۱- عبداللهی محسن؛ معرفی سعیده، (۱۳۸۹) «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، ص ۲۰۳.

۲- حسینی سید محد، (۱۳۹۱) «بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلودگی های فراملی با نگاهی گذار به وضعیت ایران»، فصلنامه علمی محیط زیست شماره ۵۲، صص ۸-۷.

۳- اصل ۱۸ اعلامیه ریو «دولتها باید فوراً هر فاجعه طبیعی یا وضعیت اضطرای دیگر که احتمال دارای اثرات مضر و غیر قابل پیش بینی بر محیط زیست دولت‌های دیگر باشد به آنها اعلام نمایند. جامعه بین المللی باید تمام توان خود را برای کمک به دولتهای فاجعه دیده بکار گیرد».
اصل ۱۹ اعلامیه ریو «دولت‌ها باید قبلاً و با فاصله زمانی کافی دولتهایی را که در معرض خطر هستند مطلق نموده و کلیّه اطلاعات ضروری در خصوص فعالیتهایی که می توانند دارای آثار فرامرزی منفی جدی بر محیط زیست باشند در اختیار این دولتها قرار دهند و به سرعت و با حسن نیّت کامل با آنها مشورت نمایند».

4- Sands, Philippe, 2003, Principles of International Environmental Law , Cambridge University Press, 2nd Edition. p, 842.

5- Louka, Elli, 2006,International Environmental Law Fairnees, Effectivness, and World Order, Cambridge University press, , p 123.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

حادثه هسته‌ای یا فوریت رادیولوژیکی و کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای ماده ۵ و ۶ (کنوانسیون حقوق دریاها) (ماده ۱۳۹)، (کنوانسیون بازل ماده ۱۹)، کنوانسیون تنوع زیستی ماده ۱۴، پروتکل ایمنی زیستی ماده ۱۷ و کنوانسیون مبارزه با بیابان زایی اشاره کرد.

در مواد مختلف کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی که مهترین سند در رابطه با ریزگردها به شمار می‌رود به همکاری کشورها و تبادل اطلاعات بین کشورها عضو اشاره شده است (مواد ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۸، و ۱۹). آن چه در این کنوانسیون حایز اهمیت این است که این سند بیشتر به تبادل اطلاعات اشاره داشته است تا اطلاع‌رسانی در شرایط اضطراری، که به نظر می‌رسد بروز توفان‌های گرد و غبار نمونه‌ای از این شرایط می‌باشد. ماده ۸ طرح پیش‌نویس ۲۰۰۱ در مورد جلوگیری از خسارت زیان فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، کشور منشاء ضرر را موظف نموده است که در شرایطی که خطر بروز خسارت فرامرزی جدی وجود داشته باشد، کشورهای که احتمالاً از این زیان متأثر می‌شوند را در جریان امور قرار دهد.[1]

نتیجه‌گیری

قوانین بین‌المللی اساساً با قوانین داخلی متفاوت است زیرا هیچگونه حکومت جهانی وجود ندارد که حاکمیتش بر کشورها نافذ باشد. در نتیجه این قوانین باید متکی بر توافق طرف‌های مربوط باشد و کشورها خود را ملزم به رعایت آن کنند، حال ممکن است بسیاری از شهروندان یک کشور معین با آن مخالف باشند. در مجموعه‌ای از سیاست‌ها، موافقتنامه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی به برخی از مسائل زیست‌محیطی پرداخته شده که آنها را بر روی هم اصطلاحاً قوانین بین‌المللی زیست‌محیطی می‌نامند. البته در این عرصه پیشرفت‌های دلگرم کننده‌ای رخ داده که جمله‌ی آنها موافقتنامه‌ی مختلف در هت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و در نحوه دفع پسمامدها جهت تحقق بخشیدن به امنیت زیست‌محیطی است. در سال‌های اخیر فعالیت‌های دیپلماتیک برای رسیدن به توافق‌های بین‌المللی بر سر فهرست بزرگی از مسائل محیط زیست جهانی شتاب زیادی گرفته و این نشانی است از درک این مسأله که تباهی محیط زیست جهانی تهدیدی واقعی برای همه‌ی ملت‌ها و مردم جهان است.

آن چه مسلم است تحقق حق برخورداری از توسعه و محیط زیست سالم عنوان حق‌های بشری در گروه سازوکار موثری به نام توسعه پایدار است در واقع توجه به حقوق نسل‌های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه رشد و افزایش بهره بردن از صنایع و مشتقات هسته‌ای از اهمیت والایی برخوردار است تا جایی که همواره دغدغه صیانت از امنیت زیست محیطی می‌تواند مورد توجه باشد. در این راستا توجه به اصولی که بتواند آسیب‌های ناشی از دفع پسماندهای هسته‌ای را از اهمیت بالایی برخوردار است؛ از جمله اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین، اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل مسئولیت کشورها در قبال صدمه به محیط‌زیست دیگر کشورها در زمینه آلودگی‌های

1- Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001. Art(8).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فرامرزی و اصل اطلاع‌رسانی فوری و به موقع در مورد خسارات فرامرزی به محیط‌زیست؛ که باید در دفع و امحای پسماندهای هسته ای بر اساس توجه به آنها اقدام نمود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فهرست منابع و مآخذ

۱- افتخار جهرمی گودرز، (۱۳۸۸) «حقوق بشر، محیط‌زیست و توسعه پایدار»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان.

۲- ببران صدیقه (۱۳۸۵) «اصلاح ساختار سازمان ملل متحد در زمینه محیط‌زیست»، نشریه راهبرد، ش ۴۱.

۳- بیاتی معصومه، (۱۳۸۲) محیط زیست در اینترنت، نشریه موج سبز.

۴- پور هاشمی سید عباس زارعی سحر خاعتبری یلدا، (۱۳۹۲) «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم شماره ۳۹، بهار و تابستان.

۵- حسینی سید محد، (۱۳۹۱) «بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلودگی‌های فراملی با نگاهی گذار به وضعیت ایران»، فصلنامه علمی محیط زیست شماره ۵۲.

۶- خسروی راد سام، (۱۳۷۹) محیط زیست داریم، قانون محیط زیست نداریم، روزنامه انتخاب، شماره ۱۲، ۷۹/۳/۳.

۷- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، (۱۳۸۶) «نگاهی به اصل استفاده غیرزیانبار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست»، علوم محیطی، سال چهارم، شماره چهارم، تابستان.

۸- زمانی سید قاسم، (۱۳۸۱) «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان.

۹- دادس کلاوس، (۱۳۸۴) ژئوپولتیک در جهان متغیر، ترجمه زهرا احمدی پور، تهران، بلاغ دانش.

۱۰-دبیری فرهاد؛ عباس‌پور هاشمی عبادی تقی؛ منوچهری میلوفر، (۱۳۸۹) «بررسی ابعاد حقوقی کنوانسیون pops در ایران به منظور ارایه چارچوب قانونی برای کنترل آلاینده‌های آلی پایدار در سطح ملی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست»، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان.

۱۱- دبیری فرهاد و دیگران، (۱۳۸۶) «جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه‌ای پس از انقلاب در ایران»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره اول.

۱۲- ضیایی بیگدلی محمد رضا، (۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، نشر گنج دانش.

۱۳- طلایی فرهاد؛ حیدری الهام، (۱۳۹۴) «نقش سازمان‌های بین‌المللی دارای صلاحیت جهانی در مقابله با آلودگی زیست محیطی ناشی از پسماندها»، مطالعات حقوقی، تابستان، دوره هفتم، شماره ۲.

۱۴- عبداللهی محسن؛ معرفی سعیده، (۱۳۸۹) «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹.

۱۵- علیزاده عمران؛ زهرا پیشگاهی فر، (۱۳۹۰) «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴، بهار.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۱۶- کیس الکساندر و دیگران (۱۳۷۹)، حقوق محیط‌زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷- لانک هلیف، (۱۳۸۴) «توسعه پایدار و درنگی در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه»، ترجمه جمال محمدی، مجله راهبرد، ج ۱ شماره ۲.

۱۸- موسوی سید فضل الله، (۱۳۸۵) سیر تحولات منابع حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان، چ اول.

۱۹- موسوی سید فضل الله، (۱۳۸۰) حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان.

موسی زاده رضا، (۱۳۹۱)، سازمان های بین المللی، تهران، نشر میزان.

۲۰- مولایی آیت، (۱۳۸۸) مبانی و اصول توسعه پایدار زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، خرسندی، حقوق محیط زیست (نظریه ها و رویه ها)، چ اول.

21- BASEL. (2014). "The Convention, Overview", www. basel. int.

22- Homer, tomas, Environmental scarcities and violent conflict : evidence cases, International security, (summer). 1994.

23- Kiss, Alexandre, Shelton, Dinah, guide to International Environmental Law,
United states of America, Martinus nijhoff publishers, June 2,1925-March 22,2007.

24- Louka, Elli, 2006,International Environmental Law Fairnees, Effectivness, and World Order, Cambridge University press.

25- Sands, Philippe, 2003, Principles of International Environmental Law , Cambridge University Press, 2nd Edition.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]